

جلوه های عشق

در مناجات شعبانیه

محمد مهدی جعفری زاده

شیراز ۱۳۹۲



سرشناسه	: جعفری زاده، محمد مهدی، ۱۳۴۱ -
عنوان قراردادی	: دعای شعبانیه. شرح
عنوان و نام پدیدآور	: جلوه های عشق در مناجات شعبانیه / محمد مهدی جعفری زاده.
مشخصات نشر	: شیراز: طلوع شرق، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۸۸ ص.
شابک	: 978-600-92511-3-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: دعای شعبانیه -- نقد و تفسیر
رده بندی کنگره	: ۷۱۳۹۱ ج ۷۰۴۲۲ ش / BP۲۷۰
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۷۷۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۹۶۱۴۳۱



جلوه های عشق در مناجات شعبانیه

مؤلف: محمد مهدی جعفری زاده

ناشر: طلوع شرق

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: نجف زاده شیراز

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۲

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۵۱۱-۳-۱

ISBN:978-600-92511-3-1

نشانی: شیراز- خیابان انقلاب (نادر) - نبش پارک انقلاب- مجتمع رز - طبقه اول - واحد ۱۴

انتشارات طلوع شرق تلفن: ۰۷۱۱-۲۳۴۴۷۷۲-۲۳۴۴۷۷۵

ایمیل: info@toloushargh.com

آدرس سایت: www.toloushargh.com

کد پستی: ۷۱۶۳۷-۶۶۵۱۷

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، نمایش در اینترنت و... برای ناشر محفوظ است و نقل مطالب با ذکر مافذ پلامانع می باشد.

فهرست مطالب

۳	جلوه های عشق.....
۷	سرآغاز.....
۲۱	ذکر صلوات در عالم عشق.....
۲۱	چرا صلوات؟.....
۲۳	«سلام در قرآن».....
۲۴	عشق درمانی.....
۲۵	دعای یک طرفه ، نه.....
۲۶	چه چیز یا چه چیزهایی باعث می شود که خداوند دعا و ندای ما را نشنود؟.....
۲۷	چه پاداشی بن مایه ی «شدن» و «کمال» است؟.....
۲۸	دعا ؛ هم یک نوع «آموزش» است و هم نوعی «آمزش».....
۲۹	مناجات و قضا و قدر الهی.....
۳۰	رزق و روزی و عزت ، دست خداست.....
۳۱	شرط اصلی ریزش رحمت بر انسان.....
۳۲	اما یک نکته ی لطیف و ظریف.....
۳۳	آیا اعتماد خداوند به انسان مهم تر است یا اعتماد انسان به خدا ؟.....
۳۵	«عفو الهی» یکی از مهمترین و عالی ترین تقاضاهای اسل.....
۳۷	تکرار فرمول «گناه - توبه - گناه» در زندگی انسان.....
۳۹	ولایت خدا- ولایت شیطان.....
۳۹	چرا ولایت غیر خدا را می پذیریم؟.....
۴۰	چرا کوری؟ یک استدلال عقلی.....
۴۱	چرا رسوایی در آخرت به مراتب بدتر از رسوایی در دنیاست؟.....
۴۳	در قیامت خداوند را چگونه ملاقات می کنیم؟.....
۴۴	چرا عذر خواهی؟.....
۴۴	روش صحیح دعا کردن چیست؟.....
۴۶	خداوند تمایل دارد که انسان را خوار ببیند یا سربلند؟.....
۴۶	حاجت یا حوائج؟.....

- اعلام دوستی با خدا ، حتی در جهنم! ۴۷
- طاعتم کوچک ، آرزویم بزرگ ۴۹
- تفاوت دوره ی جوانی با پیری ۵۰
- غفلت و غرور ۵۲
- اقرار ، توسل ، حیا ۵۳
- خدایا! با « محبت » بیدارم ساز نه با « غضب » ۵۳
- بزرگترین سخاوت خداوند چیست؟ ۵۶
- از خداوند سه چیز می خواهیم : ۵۷
- ۱- قلب عاشق ۲- زبان صادق ۳- نگاه حق ۵۷
- کدام صفات خدا را در خود رشد داده ای؟ ۶۲
- چه کسی پشتیبان توست؟ ۶۶
- انواع ولایت ۶۷
- ولایت دو نوع است : یکی ولایت خدا و دیگری ولایت شیطان ۶۷
- در نزد عارف الهی ، قصور و کوتاهی با تقصیر و گناه برابر است ۶۹
- عالی ترین قسمت مناجات شعبانیه؛ تقاضای « انقطاع » از غیر خداست ۷۰
- یک برداشت غلط ۷۲
- پرده ها و حجاب های نورانی کدامند؟ ۷۵
- اتصال به معدن عظمت ۷۶
- از صدا زدن تا راز پنهان گفتن ۷۷
- خوش بینی در قاموس عارفان ۷۸
- حسن اعتماد به خدا ۷۹
- ارتباط مکارم لطف خداوند با مکارم اخلاقی انسان ۸۰
- در مسیر عاشقی ، چه آفاتی رخ می دهد و چگونه باید آن ها را اصلاح کرد؟ ۸۱
- غفلت ؛ آفتی بزرگ ۸۱
- چرا مجازات خداوند بزرگ است ؟ ۸۲
- خواسته های چهارگانه ۸۴

سر آغاز

حیات و زندگی بر روی کره خاکی، با عشق آغاز شد. خلقت یعنی عشق. آنچه از خداوند صادر شده و می شود، چیزی غیر از عشق نیست، به همین خاطر خداوند به مخلوقات خویش، نهایت عشق را دارد. شاید بتوان گفت: هیچ کس به اندازه خدا، عاشق نیست. در تمام صفات خداوند، ذرات عشق می درخشد. حتی در غضب و خشم خداوند نسبت به انسان ها، جوهره ی عشق موج می زند چرا که خداوند، خلقت هر فردی را با عشق و دوست داشتن آغاز کرده ولی چون خود فرد در مراحل مختلف زندگی اش، این عشق را نادیده گرفته و علیه آن طغیان می کند، خداوند را خشمگین کرده و براساس نادیده انگاشته شدن عشق و محبتش، از فرد، غضب ناک می شود.

باید عشق را با عشق معنا کرد نه با چیز دیگر، چرا که عشق با هیچ چیز دیگر قابل تفسیر نیست.

به جز انسان که موجودی مختار است و می تواند علیه عشق خدایی و ذاتی خویش حرکت کند، سایر موجودات عالم همگی در اقیانوس عشق الهی غوطه ورنند. در آنجا هیچ خبری از غضب و خشم خداوند نیست. از همین جا می توان فهمید که در امر خلقت، اصالت با عشق و جذب است نه غضب و دفع. همچنان که مشاهیر فلاسفه و حکما گفته اند: اصالت با وجود است نه با ماهیت.

در اساس هستی، عشق، همان هستی است و هستی و وجود همان عشق (هستی = عشق). بقیه، جزء ماهیات و اعراض و فرعیات هستند.

همانطور که حکما در بحث «اتحاد عقل و عاقل و معقول» مباحث جالبی مطرح کرده اند باید به سرچشمه اصلی آن یعنی «اتحاد عشق و عاشق و معشوق» پی برد تا به زیبایی خیره کننده «خلقت و خالق و مخلوق» نایل شد.

گاهی عشق تا آنجا فواره می کشد و اوج می گیرد که عاشق و معشوق، یکی می شوند و عاشق، خود را معشوق و معشوق، خود را عاشق می داند اگر آن «یار که از او گشت سردار بلند» می گفت انا الحق. و خود را به زعم بعضی در جایگاه خداوند می دید و لذا کافرش خواندند و به دارش زدند، دلیلش این بود که در مرحله ای، عاشق آن چنان در معشوق ذوب می شود که دیگر غیر معشوق، چیزی را نمی بیند، در اینجا دیدن خدا یعنی دیدن خود و دیدن خود یعنی دیدن خدا و درست همانند قطره ای است که به دریا پیوسته و در دریا حل و هضم شده و خود را دریا می بیند.

درد بزرگ ما انسان ها از اول خلقت تاکنون این است که عشق های کوچک تر و جزئی تر همانند عشق بین زوجین، دوستان، فرزندان و والدین را می بینیم و آن را بسیار بزرگ تصور می کنیم ولی از منبع مولد عشق و خالق عشق، غافلیم.

عشق افراطی به زن ، فرزند، پست، مقام، پول و دنیا نوعی دلبستگی قوی در بعضی ایجاد می کند و همه ی تار و پود زندگی آن ها را در خود بلعیده و اجازه نمی دهد که به سرچشمه عشق، نظری بیفکنند .

برکه های آب های کوچک ، بشر را سرگرم خود کرده و اجازه نمی دهد که آن را تا رسیدن به سرچشمه، به جلو برند. اگر همه ی انسان ها ، عاشق صادق می شدند و به خالق عشق، عشق می ورزیدند امروز هر ثانیه ی زندگی ما ، زیباترین ، شیرین ترین ، گواراترین و پاک ترین حالات را برای ما رقم می زد. افسوس که همچون کودکان خردسال ، به اسباب بازی در اطراف خود سرگرم شده ایم و به بالاتر از آن نمی اندیشیم.

در سنین بالاتر که قرار می گیریم ماشینک مان تبدیل به ماشین ، عروسک مان تبدیل به عروس ، دکانک مان تبدیل به دکان می شود و خیال می کنیم که رشد و تکامل پیدا کرده ایم غافل از اینکه ، همان قصه ی دوران کودکی است که با رنج و زحمت شبانه روزی ، در شکل و شمابلی دیگر ، تکرارش می کنیم.

دعا ، قرآن ، مسجد، تورات ، انجیل ، کنیسه ، کلیسا و هر آنچه به نوعی رنگ خدایی دارد ما را به آن عشق راستین و حقیقی فرا می خواند تا از هیاهوهای کودکانه ی خود فاصله بگیریم و از عشق ضعیف و مجازی دنیوی به عشق بی انتهای حقیقی ، رهنمون شویم حال ببینیم که در این عرصه ی پر

تزام زندگی، چه کسانی بازنده و چه کسانی برنده ی عشق اند.

با این رویکرد به سراغ یکی از ادعیه و مناجات هایی که پرتوهای عشق در آن موج می زند می رویم تا در ابتدا، احظاتی و سپس و به مرور، تمام زندگی خود را در هاله ای از آن عشق فرو بریم.

مناجات شعبانیه، مناجاتی است که تمام معصومین (ع) آن را زمزمه می کرده اند. هر کلمه و عبارتی از آن، جلوه ای از عشق ورزی است که امیدواریم در این مجموعه بتوانیم جرعه ای از این اقیانوس بیکران عشق را نصیب خود کنیم و بشویم آنچه که باید بشویم.

ناگفته پیداست که این مناجات، هر چه در محیطی خلوت تر و آرام تر خوانده شود و سفره ی دل باز شود، آثار عاشقانه ی آن بیشتر خواهد بود. دوری از سرو صدای دنیا و دنیاطلبان، شرط اصلی وصل شدن به این سرچشمه ی عشق است.

اگر در پرتو انس با این مناجات، دریچه ای از نور و محبت بر شما گشوده شد، ملتمس دعای خیر شما هستیم.

و ما توفیقی الا بالله- محمد مهدی جعفری زاده